

The Role of Personality Aspects, Attachment, Affective Indicators, and Demographic Factors of Geographical Distance and Students' Gender in Predicting Homesickness

نقش ابعاد شخصیتی، دلبستگی، شاخصهای خلقی، و عوامل جمعیت شناختی فاصله جغرافیایی و جنس دانشجویان در پیش بینی احساس غربت

Mohsen Dehghani, PhD, Mohammad Karim Khodapanahi, PhD. Anahita Ganjavi

دکتر محسن دهقانی^۱، دکتر محمد کریم خداپناهی^۲،

آناهیتا گنجوی^۳

تاریخ پذیرش: ۸۸/۱۱/۱۸

تاریخ بازنگری: ۸۸/۸/۲۹

تاریخ دریافت: ۸۸/۷/۲۵

Abstract

In order to examine predicting factors of homesickness among students, a sample of 360 freshmen (210 females and 150 males) were selected through propositional random sampling from Shahid Beheshti University dormitories. Then, a battery of questionnaires were completed by students including Homesickness Scale (VanVliet, 2001), NEO-FFI (Costa & McCrae, 1992), Adult Attachment Styles (Hazan & Shaver, 1987), and DASS (Lovibond & Lovibond, 1995). Based on a hierarchical regression analysis data were analyzed. Results indicated that among demographic and psychological factors, gender, neuroticism, and anxiety emerged as predictors of homesickness.

Keywords:

homesickness, personality, attachment, anxiety, students

چکیده

به منظور بررسی عوامل پیشبینی کننده احساس غربت در دانشجویان، نمونه‌های بالغ بر ۳۶۰ دانشجوی سال اول (۲۱۰ دختر و ۱۵۰ پسر) با روش نمونه‌گیری تصادفی از خوابگاه‌های دانشگاه شهید بهشتی انتخاب و پرسشنامه‌های احساس غربت (ونولیت، ۲۰۰۱)، NEO-FFI (کاستا و مککری، ۱۹۹۲)، سبک‌های دلبستگی بزرگسالان (هازان و شاور، ۱۹۸۷)، و مقیاس افسردگی، اضطراب، استرس (DASS) (لویباند و لویباند، ۱۹۹۵) اجرا شدند. در ضمن، عوامل جمعیت‌شناختی جنس و فاصله جغرافیایی نیز مورد بررسی قرار گرفتند. داده‌های به دست آمده با استفاده از تحلیل رگرسیون گام به گام، حاکی از آن هستند که از میان عوامل جمعیت‌شناختی مورد مطالعه، عامل جنس و از میان متغیرهای روانشناختی، نوروژگرایبی و اضطراب قادر به پیشبینی احساس غربت می‌باشند.

کلیدواژه‌ها:

احساس غربت، شخصیت، دلبستگی، اضطراب، دانشجویان

۱- (نویسنده پاسخگو) روانشناس بالینی، عضو هیئت علمی پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی. پست الکترونیکی: m.dehghani@sbu.ac.ir

۲- روانشناس عمومی، عضو هیئت علمی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی

۳- دانشجوی دکتری روانشناسی بالینی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی



مقدمه

ترک زادگاه و رفتن به دانشگاه در شهری دیگر معمولاً رویدادی مثبت تلقی می‌شود، اگرچه همراه با تغییر در سبک زندگی برای تمامی دانشجویانی است که با این نقل مکان مواجه‌اند. این تغییرات می‌توانند در سطوح مختلف رخ دهند، که از آن میان می‌توان به تغییرات فیزیکی (مثل تغییر مکان جغرافیایی)، زیستی (مثل شرایط غذایی جدید)، فرهنگی و ارتباطی، روانشناختی و نیز تغییر در ارزشها، قابلیتها، انگیزه‌ها و بازخوردها اشاره کرد (بری، ۱۹۹۰). مجموعه این تغییرات می‌توانند با ایجاد استرس شدید در فرد، به برهم خوردن تعادل بین منابع درونی و خواسته‌های بیرونی منجر شوند و بروز پدیده‌های به نام احساس غربت را در پی داشته باشند (ونولیت، ۲۰۰۱).

احساس غربت عبارتست از وضعیت پیچیده شناختی، انگیزشی و هیجانی خاصی که با اشتغالات ذهنی فراوان در مورد محیط قبلی و تمایل به بازگشت به سمت آن همراه است و معمولاً با خلق افسرده و علائم مختلف روان-تنی تجربه می‌شود (فیشِر و هود، ۱۹۸۷ نقل از بن، هاروی، گیلبرت و آیرونز، ۲۰۰۵). این پدیده که معمولاً یک واکنش طبیعی در برابر محیط جدید است، در عین حال پدیده‌های بالقوه تضعیف کننده است که افراد همه فرهنگها و گروههای سنی را تحت تاثیر قرار می‌دهد (ونتیلبرگ، وینگرهوتس و ونهک، ۱۹۹۶). بسیاری از دانشجویان به سادگی به این مسئله اعتراف نمی‌کنند، اما ۶۰ الی ۷۰ درصد افرادی که برای ادامه تحصیل به دانشگاهی خارج از شهر محل سکونت خود نقل مکان میکنند، دچار احساس غربت می‌شوند (ونتیلبرگ و دیگران، ۱۹۹۹) که از این عده ۷ تا ۱۰ درصد به انواع شدیدی از احساس غربت مبتلا میگردند (یورلینگز-بونتکو، بروئرز، ورشیور و دویژنس، ۱۹۹۸). تحقیقات متفاوتی بروز این پدیده را در جمعیت

دانشجویانی که به منظور ادامه تحصیل دیار خود را ترک گفته‌اند، گزارش کرده‌اند. در بریتانیا، ۳۰ الی ۶۰ درصد دختران و پسران دانشجو در سال اول دانشگاه دچار احساس غربت می‌شوند (بروین، فرنهام و هوز، ۱۹۸۹؛ فیشِر و هود، ۱۹۸۸؛ فیشِر، موری و فریزر، ۱۹۸۵). در استرالیا، برت (۱۹۹۳) این پدیده را در گروهی از دانشجویان سال اول بررسی کرد و دریافت که همگی به درجاتی از احساس غربت مبتلا بودند. همچنین کاردن و فیشت (۱۹۹۱) در مطالعه خود دریافتند که احتمال احساس غربت در سال اول تحصیل در ۱۹ درصد دانشجویان امریکایی و ۷۷ درصد دانشجویان ترکیه‌ای که در دانشگاه‌های کشور خود تحصیل می‌کردند، وجود داشت.

با نگاهی به ادبیات تحقیق درباره پدیده احساس غربت، می‌توان دریافت که امکان تقسیم عوامل پیشبینی کننده در بروز احساس غربت به دو گروه عمده عوامل جمعیت‌شناختی و عوامل روانشناختی وجود دارد (ونولیت، ۲۰۰۱). از بین عوامل جمعیت‌شناختی بررسی شده، می‌توان به تاثیر جنس بر میزان احساس غربت اشاره کرد. به طور کلی، نتایج تحقیقات حاکی از آن است که میزان بروز احساس غربت در دو جنس مونث و مذکر برابر است. بروین و دیگران (۱۹۸۹) در دانشجویان دختر و پسر میزان مشابهی از احساس غربت را گزارش کردند. این نتیجه توسط فیشِر نیز در نمونه‌های مختلف تایید شد (برای مثال، فیشِر و دیگران، ۱۹۸۵؛ فیشِر و هود، ۱۹۸۸).

از دیگر عوامل جمعیت‌شناختی، فاصله جغرافیایی است. فیشِر و دیگران (۱۹۸۵، ۱۹۸۶) دریافتند که فاصله جغرافیایی با شیوع احساس غربت در دانشجویان همبستگی دارد. این محققان در مطالعات خود چنین یافته‌هایی را در دانش‌آموزان مدارس شبانه‌روزی تایید نکردند. این امر نشانگر آن است که مسئله فاصله جغرافیایی تنها زمانی می‌تواند



احساس غربت یافتند، به نحوی که هرچه نمرات N بیشتر و نمرات E کمتر باشند احتمال به وجود آمدن احساس غربت بیشتر خواهد شد. این پژوهشگران همچنین دریافتند احتمال بروز احساس غربت در افرادی که نسبت به تجربه‌های جدید بسته بودند (نمرات پایین در O) بیشتر بود. ونولیت (۲۰۰۱) به نتایجی متضادی در مورد یافته اخیر دست یافت. وی معتقد است که گشودگی فرد نسبت به تجربه‌ها، وی را در معرض تجربه‌های خوشایند و ناخوشایند قرار می‌دهند. بنابراین، افراد با نمرات بالا در O بیشتر مستعد ابتلا به احساس غربت هستند. در ارتباط با عوامل شخصیتی N و E وی به نتایجی مشابه پژوهشهای پیشین دست یافت. لازم به ذکر است که در تمامی پژوهشهای مذکور عامل N با قدرت بسیار بیشتری نسبت به عامل E قادر به پیشبینی احساس غربت است.

از دیگر عوامل زمینه‌ساز در بروز احساس غربت سبک دلبستگی (بالبی، ۱۹۸۰) است. میکولینسر، فلوریان و ولر (۱۹۹۳) نشان داده‌اند که آزمودنیهای بزرگسالی که در گروه دلبسته ناایمن قرار دارند، همواره در موقعیتهای تهدیدآمیز دچار پریشانی بیشتر می‌شوند. استروب، ونولیت، هیوستون و ویلیس (۲۰۰۲) و استروب، استروب و شات (۲۰۰۳) پیشنهاد کرده‌اند که آسیب‌پذیری نسبت به احساس غربت می‌تواند تحت تاثیر سبک دلبستگی قرار گیرد، بدین ترتیب که افراد با سبک دلبستگی ناایمن بیشتر مستعد ابتلا به احساس غربت هستند. ورنبرگ و فیلد (۱۹۹۰) نیز این یافته را تایید کرده‌اند. تربر و سیگمن (۱۹۹۸) نیز وجود یک رابطه دلبستگی ناایمن با مراقب اولیه را عاملی خطر ساز برای احساس غربت دانسته‌اند. ونتیلبرگ و دیگران (۱۹۹۹) بر اساس نتایج مطالعه خود دریافتند آزمودنیهایی که به طور مکرر دچار احساس غربت می‌شوند، در کودکی از اضطراب جدایی در رنج بوده‌اند که میتواند هماهنگ با نظریه

یک عامل به حساب آید که فرد معنای روانشناختی آن را ادراک کند. در حقیقت، تغییرات فرهنگی که به همراه نقل مکان رخ میدهند، میتوانند فرد را دچار احساس غربت کنند (رادمین، ۲۰۰۹). به همین دلیل است که لو (۱۹۹۰) شیوع بسیار بالای احساس غربت را در دانشجویان چینی که در دانشگاه‌های بریتانیا درس می‌خواندند نشان داد. در این موارد، افراد نه تنها از لحاظ جغرافیایی بلکه از زاویه روانشناختی و فرهنگی نیز از دیار خود بسیار فاصله دارند. فریتس، چین و دمارینیس (۲۰۰۸) نیز گزارش کردند دانشجویان اروپایی و آسیایی که در امریکا تحصیل می‌کنند، به ترتیب به دلیل دور بودن از خانواده و مشکلات زبانی دچار تنیدگی و احساس غربت می‌شوند که این امر نشانگر تاثیر عوامل فرهنگی است چرا که زبان یک ملت ارتباط تنگاتنگی با فرهنگ آن دارد (فریتس و دیگران، ۲۰۰۸).

در ارتباط با عوامل روانشناختی مطرح شده در پیشبینی احساس غربت، میتوان به عوامل شخصیتی اشاره کرد. مککان (۱۹۴۱) به این نتیجه دست یافت که از بین عوامل شخصیتی، عامل نورزگرایی (N) (به عوامل پنجگانه شخصیتی کاستا و مککری، ۱۹۹۲ رجوع کنید) عاملی است که فرد را نسبت به ابتلا به احساس غربت مستعد می‌سازد. فیشر (۱۹۸۹) همبستگی معکوس اما ضعیفی را بین برونگرایی (E) و احساس غربت گزارش کرده است. یورلینگز-بونتکو، وینگرهوتس و فونتین (۱۹۹۴) و ونتیلبرگ، یورلینگز-بونتکو، لندن، ورشور و وینگرهوتس (۱۹۹۸) به ترتیب سطوح بالای درونگرایی و نورزگرایی را به عنوان عوامل مستعدکننده احساس غربت مطرح کرده‌اند. همچنین، ونتیلبرگ و دیگران (۱۹۹۷) به رابطه معنادار منفی بین ثبات هیجانی و برونگرایی با احساس غربت اشاره کردند. ونهک، وینگر-هوتس، وولسترا، گروجرتز، تیجس و ونتیلبرگ (۱۹۹۷) عوامل نورزگرایی و برونگرایی را پیشبینی کننده‌های قوی



وجود فرایند دل‌بستگی آشفته در بین کسانی باشد که از احساس غربت شدید رنج می‌برند.

به علاوه، ادبیات تحقیق نشان‌دهنده وجود روابط تنگاتنگ بین احساس غربت و افسردگی، اضطراب و استرس هستند (برای مثال، ونولیت، ۲۰۰۱؛ ونتیلبرگ و دیگران، ۱۹۹۹؛ ورشور، یورلینگز-بونتکو و اسپینهاون). از آنجا که احساس غربت در صورت مزمن و شدید شدن می‌تواند با مشکلات شناختی فزاینده از جمله لغزشهای حافظه و تمرکز ضعیف همراه باشد و در نتیجه، بروز مشکلات تحصیلی و حواسپرتی را در دانشجویان مبتلا در پی داشته باشد (برت، ۱۹۹۳؛ فیشر و هود، ۱۹۸۸) بنابراین، بررسی آن ضروری به نظر می‌رسد. نخستین گام در بررسی این پدیده می‌تواند مطالعه عوامل پیشبینی‌کننده آن باشد. از این رو، هدف پژوهش حاضر بررسی عوامل جمعیت‌شناختی، شامل جنس و فاصله جغرافیایی شهر جدید از زادگاه اصلی، و عوامل شخصیتی، سبک دل‌بستگی و حالت‌های عاطفی به عنوان عناصر روانشناختی پیشبینی‌کننده این پدیده است.

روش

از جامعه دانشجویان سال اول ساکن در خوابگاه‌های دانشگاه شهید بهشتی نمونه‌های بالغ بر ۳۶۰ دانشجوی (۲۱۰ دختر و ۱۵۰ پسر) با میانگین سنی ۱۹/۸۵ ($SD=1/98$) توسط روش نمونه‌گیری تصادفی نسبی انتخاب شدند. بدین ترتیب که پس از تهیه فهرست کلیه خوابگاه‌های دانشگاه شهید بهشتی، از هر یک بنا بر تعداد کل دانشجویان آن خوابگاه و تعداد کل دانشجویان نمونه‌ای به صورت تصادفی نسبی انتخاب شد.

ابزار پژوهش

۱. پرسشنامه احساس غربت (ونولیت، ۲۰۰۱): ابزاری ۴۵ گوی‌های و حاوی ۵ عامل (۱) دل‌تنگی برای

خانواده، (۲) میل برگشت به زادگاه، (۳) سازگاری، (۴) احساس تنهایی، و (۵) دل‌تنگی برای افراد و محیط آشنا است. نمره‌گذاری سوالات بر اساس مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت انجام گرفت. بدین ترتیب که آزمودنی با انتخاب هر یک از گزینه‌های هرگز، کمی، متوسط، زیاد، و خیلی زیاد به ترتیب ۱، ۲، ۳، ۴، و ۵ نمره کسب می‌کند. ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از عوامل بالا به ترتیب برابر با ۰/۹۰، ۰/۸۹، ۰/۸۵، ۰/۸۴ و ۰/۶۹ به دست آمد که همگی نمایانگر همسانی درونی بالای آن است (اژه‌ای، دهقانی، گنجوی و خداپناهی، ۱۳۸۷). این پرسشنامه ۳ سوال تکمیلی نیز دارد که دو سؤال نخست فراوانی تجربه احساس غربت را در موقعیت کنونی و در گذشته و سؤال آخر شدت احساس غربت را می‌سنجد.

۲. پرسشنامه پنج عاملی شخصیت NEO - فرم کوتاه (کاستا و مککری، ۱۹۹۲): دارای ۶۰ گویه و فرم کوتاه شده NEO PI-R است که برای ارزیابی سریع پنج عامل اصلی شخصیت (روان‌آزردگی خویی N، برون‌گرایی E، گشودگی به تجربه O، مقبولیت A و وظیفه‌شناسی C) طراحی شده است. این آزمون از پنج مجموعه ۱۲ گویه‌های مربوط به هر یک از شاخص‌ها تشکیل شده است. ضرایب همبستگی بین نمره‌های شاخص‌های NEO-FFI و NEO PI-R برای شاخص‌های N، E، O، A و C به ترتیب برابر با ۰/۹۲، ۰/۹۰، ۰/۹۱، ۰/۷۷ و ۰/۸۷ گزارش شده است (رز و دیمون، ۱۹۷۲ نقل از حق‌شناس، ۱۳۸۵). ضرایب اعتبار بازآزمایی مقیاس‌های آن به فاصله سه ماه بین ۰/۸۳ تا ۰/۷۵ به دست آمده است (کاستا و مککری، ۱۹۹۲). در گزارش حق‌شناس (۱۳۸۵) نیز ضرایب آلفای کرونباخ برای پنج عامل مذکور در نمونه ۵۱۲ نفری ایرانی به ترتیب برابر با: ۰/۷۴، ۰/۶۳، ۰/۵۰، ۰/۵۴ و ۰/۶۰ است.

۳. پرسشنامه سبک‌های دل‌بستگی بزرگسالان (هازان و شیور، ۱۹۸۷): یک ابزار اندازه‌گیری



متغیر	M	SD	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
۱ احساس غربت	۵۷/۸۳	۱۳/۰۸	-												
۲ برونگرایی	۲۸/۲۰	۶/۶۸	-.۲۱**	-											
۳ گشودگی	۳۰/۶۲	۵/۰۵	-.۰۴	-.۲۵**	-										
۴ وظیفه شناسی	۳۲/۰۰	۶/۸۸	-.۱۱*	-.۴۵**	-.۴۱**	-									
۵ روان آزردهی	۲۳/۴۹	۸/۰۴	-.۵۲**	-.۱۶**	-.۳۹**	-									
۶ مقبولیت	۲۸/۱۵	۴/۴۶	-.۲۱**	-.۲۹**	-.۱۸**	-.۲۳**	-.۳۸**	-							
۷ ایمن	۶/۱۶	۲/۳۸	-.۱۵**	-.۴۳**	-.۱۵**	-.۲۳**	-.۲۹**	-.۱۳**	-						
۸ اجتنابی	۳/۰۷	۲/۳۶	-.۱۲*	-.۳۳**	-.۱۵**	-.۱۱*	-.۲۳**	-.۲۶**	-.۲۳**	-					
۹ دوسوگرا	۳/۷۶	۲/۶۵	-.۲۱**	-.۲۸**	-.۱۵**	-.۱۹**	-.۳۸**	-.۳۰**	-.۰۹	-.۱۷**	-				
۱۰ افسردگی	۱۱/۴۲	۱۰/۱۴	-.۴۶**	-.۲۳**	-.۳۹**	-.۳۳**	-.۶۸**	-.۲۵**	-.۲۲**	-.۲۶**	-.۲۶**	-			
۱۱ اضطراب	۱۰/۵۲	۸/۰۶	-.۴۹**	-.۳۱**	-.۱۲*	-.۲۶**	-.۵۸**	-.۳۳**	-.۱۷**	-.۱۸*	-.۲۹**	-.۷۳**	-		
۱۲ تیدگی	۱۵/۹۱	۹/۴۴	-.۵۰**	-.۲۷**	-.۰۷	-.۲۵**	-.۶۷**	-.۳۶**	-.۲۲**	-.۲۵*	-.۲۹**	-.۷۴**	-.۷۷**	-	
۱۳ فاصله	۵۲۶/۱۲	۳۳۹/۹۷	-.۰۳	-.۰۴	-.۰۱	-.۰۷	-.۰۴	-.۱۷**	-.۰۵	-.۰۴	-.۱۲*	-.۰۴	-.۱۰	-.۰۹	-

جدول ۱. ضرایب همبستگی متغیرهای پیشین مورد مطالعه با احساس غربت
 **p < ۰/۰۱۰ *p < ۰/۰۵۰

آزمودنی با انتخاب هر یک از گزینه‌های به هیچ وجه، تا حدی، مواقع زیادی، و اکثر مواقع به ترتیب ۱، ۲ و ۳ نمره کسب می‌کند. روایی همزمان این ابزار در مطالعه‌ی افضلی (۱۳۸۳) در ۴۰۰ دانش‌آموز دبیرستانی، به ترتیب برای سه عامل افسردگی، اضطراب و استرس عبارت از ۰/۸۴، ۰/۸۳ و ۰/۷۵ و همسانی درونی عوامل نیز با استفاده از مقیاسهای افسردگی و اضطراب بک به ترتیب برابر با ۰/۹۴، ۰/۸۵ و ۰/۸۷ بوده‌اند. از آنجا که افسردگی و اضطراب از پیامدهای بلند مدت و شدید احساس غربت هستند بنابراین در پژوهش حاضر، به منظور بررسی اعتبار همگرایی پرسشنامه‌ی احساس غربت از مقیاس DASS و همبستگی عوامل آن با پنج عامل پرسشنامه‌ی احساس غربت استفاده شده است.

۵. پرسشنامه‌ی جمعیت‌شناختی: این پرسشنامه‌ی محقق ساخته به منظور تعیین جنس دانشجویان، سن و مقطع تحصیلی آنها و شهر محل سکونت

خودگزارش دهی است که توسط هازان و شیور (۱۹۸۷) ساخته شده است. این ابزار دارای سه جمله‌ی توصیفی است که در آن آزمودنیها بر پایه یک مقیاس نه درجه‌ای میزان احساسات خود را در ارتباط با راحتی و صمیمیت در روابط درجه‌بندی و در نهایت یکی از توصیفها را به عنوان توصیفی که به بهترین وجه نمایانگر احساسات آنان است، انتخاب میکنند. اعتبار بازآزمایی این ابزار در پژوهش خوانین‌زاده، اژه‌ای و مظاهری (۱۳۸۴) برابر با ۰/۷۰ گزارش شده است.

۴. مقیاس افسردگی، اضطراب، استرس (DASS) (لویباند و لویباند، ۱۹۹۵): دارای ۴۲ گویه و حاوی سه عامل اضطراب، افسردگی و استرس است. کرافورد و هنری (۲۰۰۳) ضریب آلفای کرونباخ را برای سه عامل این مقیاس به ترتیب برابر ۰/۸۹، ۰/۹۴ و ۰/۹۳ برآورد کرده‌اند. سؤالاها بر روی یک مقیاس لیکرت چهار نمره‌ای قرار دارند. بدین ترتیب که

R ²	R	Sig.	SE	β	B	بلوک‌ها
.۰۷	.۰۲۶	.۰۰۱	۲/۵۰	-.۰۲۶	۱۳/۰۴	۱ جنس
		.۰۰۱	۲/۱۷	-.۰۲۱	۱۰/۳۵	۲ جنس
.۲۳	.۰۵۷	.۰۰۱	۰/۱۸	-.۰۰۶	۰/۲۴	برونگرایی
		.۰۰۱	۰/۱۶	-.۰۵۲	۱/۵۷	روان‌آزردگی
		.۰۰۱	۰/۲۵	-.۰۰۵	-۰/۲۸	مقبولیت
		.۰۰۱	۲/۱۷	-.۰۲۱	۱۰/۳۶	جنس
		.۰۰۱	۰/۲۰	-.۰۰۷	۰/۲۸	برونگرایی
.۳۳	.۰۵۷	.۰۰۱	۰/۱۶	۰/۵۱	۱/۵۴	روان‌آزردگی
		.۰۰۱	۰/۲۶	-.۰۰۴	-۰/۲۶	مقبولیت
		.۰۰۱	۰/۴۹	-.۰۰۲	-۰/۲۲	ایمن
		.۰۰۱	۰/۴۴	-.۰۰۳	۰/۲۶	دوسوگرا
		.۰۰۱	۲/۱۲	-.۰۱۹	۹/۵۳	جنس
		.۰۰۱	۰/۱۳۸	-.۰۰۸	۰/۲۹	برونگرایی
		.۰۰۱	۰/۱۹	۰/۳۴	۱/۰۲	روان‌آزردگی
.۳۷	.۰۶۱	.۰۰۱	۰/۲۶	-.۰۰۵	-۰/۰۲	مقبولیت
		.۰۰۱	۰/۴۷	-.۰۰۱	-۰/۱۷	ایمن
		.۰۰۱	۰/۴۳	۰/۰۱	۰/۱۱	دوسوگرا
		.۰۰۱	۰/۱۸	۰/۰۳	۰/۰۹	افسردگی
		.۰۰۱	۰/۲۲	۰/۱۹	۰/۵۹	اضطراب
		.۰۰۱	۰/۲۰	-.۰۰۸	۰/۲۱	تنیدگی
		.۰۰۱	۰/۱۳۸	-.۰۰۸	۰/۲۹	برونگرایی
		.۰۰۱	۰/۱۹	۰/۳۴	۱/۰۲	روان‌آزردگی

جدول ۲. خلاصه رگرسیون سلسله مراتبی برای پیشبینی احساس غربت

همبستگی در چهار بلوک صورت گرفت. بدین ترتیب که در بلوک اول متغیر جمعیت شناختی جنس وارد شد. در بلوک دوم، عوامل شخصیتی برونگرایی، روان‌آزردگی و مقبولیت، در بلوک سوم سبک‌های دل‌بستگی ایمن و نایمن دوسوگرا و نهایتاً در بلوک چهارم وضعیت خلقی فرد وارد شد و تمامی این متغیرها توسط روش همزمان مورد تحلیل قرار گرفتند. مدل رگرسیون نشان داد به جز بلوک سوم که در آن تغییرات F معنادار نیست، در بقیه بلوک‌ها با تغییرات معنادار مواجه هستیم و این بدان معناست که متغیرهای مورد مطالعه در پیشبینی احساس غربت نقش دارند و در مجموع قادر به پیشبینی ۳۷ درصد از واریانس هستند. متغیرهای تحلیل شده در

ایشان مورد استفاده قرار گرفت.

یافته‌ها

ضرایب همبستگی بین متغیرهای مورد مطالعه در جدول نشان داده شده است.

شایان توجه است که متغیرهای دل‌بستگی نایمن اجتنابی، وظیفه‌شناسی و گشودگی به تجارب از معادلات بعدی حذف شدند، زیرا همبستگی این متغیرها با احساس غربت به‌رغم معنادار بودن، بسیار پایین بود.

پس از حذف متغیرهایی که همبستگی معناداری با متغیر ملاک نداشتند، تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی بر متغیرهای باقیمانده بر اساس میزان ضریب

غربت که هدف اصلی پژوهش حاضر است، از آن جهت اهمیت دارد که میتوان با شناسایی این عوامل تمهیداتی برای پیشگیری از این پدیده و کاهش بروز یا عواقب آن در جمعیت دانشجویی در پیش گرفت. یکی از عوامل مؤثر بر احساس غربت بر اساس یافته‌های این پژوهش - بر خلاف پژوهشهای پیشین که وقوع احساس غربت را در دو جنس برابر می‌دانند (برای مثال، فیشر و دیگران، ۱۹۸۵؛ فیشر و هود، ۱۹۸۸؛ بروین و دیگران، ۱۹۸۹) - عامل جنس است. بدین معنا که وجود احساس غربت در جنس مؤنث بیشتر است. یکی از دلایل این امر میتواند میل کمتر پسران دانشجویی به ابراز دلتنگی برای خانه و خانواده باشد. در حقیقت، به لحاظ فرهنگی ابراز دلتنگی برای خانواده از سوی پسران کمتر از دختران پذیرفتنی است و این امر ممکن است منجر بدان شود که پسران کمتر به این مسئله اذعان داشته باشند. نکته دیگر آن است که دختران در فرهنگ ایرانی با محدودیتهای بیشتری در جامعه نسبت به پسران روبرو هستند و در نتیجه ممکن است زمان بیشتری را در محیط خوابگاه بگذرانند، کمتر به فعالیتهای جانبی سرگرم‌کننده به جز مطالعه مطالب درسی بپردازند و به علت صرف زمان بیشتر در محیط خوابگاه احساس غربت بیشتری را تجربه کنند. در واقع، تسهیلات و فضاهای فراغتی موجود برای دختران بسیار محدود میباشند. به نظر میرسد دختران جوان به علت انتظارات اجتماعی نیازمند برنامه‌های فراغتی متفاوتی از پسران هستند که در

مدل رگرسیون در جدول ۲ ارائه شده‌اند.

بر طبق جدول ۲، متغیرهای جنس، نورزگرایی و اضطراب به طور معنادار قادر به پیش‌بینی متغیر ملاک، یعنی احساس غربت هستند، و همانطور که پیش از این ذکر شد ۳۷ درصد واریانس متغیر ملاک را توجیه می‌کنند.

قابل توجه است که میزان احساس غربت در میان دختران به نحوی معنادار بیشتر از پسران میباشد که در جدول ۳ قابل مشاهده است.

بحث

امروزه ورود به دانشگاه برای خیل کثیری از جوانان امری حائز اهمیت است، بنابراین، مسئله نقل مکان از زادگاه و عواقب روانشناختی آن برای فرد، نیازمند توجه و بررسی است. مطالعه حاضر به منظور بررسی عوامل پیش‌بینی‌کننده بروز احساس غربت در دانشجویانی صورت گرفته که برای ادامه تحصیل شهر محل سکونت خود را ترک و نقل مکان میکنند. همسو با یافته‌های پژوهشهای متعدد در جوامع متفاوت (برای مثال، برت، ۱۹۹۳؛ لو، ۱۹۹۰؛ کاردن و فیشت، ۱۹۹۱)، پژوهش حاضر نیز به وجود درصد بالای پدیده احساس غربت در دانشجویان ساکن خوابگاه دست یافت به نحوی که حدود ۹۴ درصد دانشجویان درجاتی از احساس غربت را تجربه کرده بودند و نزدیک به ۴۵ درصد در اغلب یا اکثر مواقع دچار احساس غربت بودند.

پرداختن به عناصر پیش‌بینی‌کننده احساس

شاخص‌ها	N	میانگین	انحراف استاندارد	آزمون t برای برابری میانگین‌ها	
				t	درجه آزادی (دو دامنه)
احساس غربت	۱۵۰	۹۵/۶۹	۲۱/۰۵	-۵/۲۱	۲۵۸
مذکر	۲۱۰	۱۰۸/۹۱	۲۴/۹۱		
مؤنث					

جدول ۳. آزمون t برای مقایسه احساس غربت در دختران و پسران



کشورهای دیگر، مانند امریکا، زیاد نیست و در نتیجه افراد تفاوت روانشناختی معناداری را تجربه نمیکنند. بر خلاف چندین پژوهش که به وجود همبستگی منفی معنادار بین سبک دلبستگی ناایمن و مستعد بودن برای ابتلا به احساس غربت اشاره دارند (مانند استروب و دیگران، ۲۰۰۲؛ استروب و دیگران، ۲۰۰۳؛ میکولینسر و دیگران، ۱۹۹۳؛ تربر و سیگمن، ۱۹۹۸) در این تحقیق به وجود روابط معنادار بین سبک دلبستگی افراد و میزان ابتلای آنها به احساس غربت دست نیافتیم. اگرچه همبستگی منفی بین احساس غربت و سبک دلبستگی ایمن به سطح معناداری نزدیک میشود اما این رابطه معنادار نیست. یکی از دلایل وجود همبستگی پایین بین متغیر احساس غربت و سبک دلبستگی میتواند استفاده از ابزار اندازهگیری سبک دلبستگی در این تحقیق باشد که تنها توسط سه ماده به بررسی سبک دلبستگی فرد میپردازد. سنجش سبک دلبستگی صرفاً با استفاده از سه ماده احتمالاً منجر به آن میشود که جنبه‌های متفاوت مفهوم دلبستگی مورد اغماض قرار گیرند و ارزیابی دقیقی از این پدیده به عمل نیاید. به نظر میرسد با استفاده از ابزارهای حساستر و دارای گویه‌های بیشتر (همانند فرم ۱۸ گویهای پرسشنامه سبک دلبستگی هزن و شیور که توسط کالینز و رید، ۱۹۹۰ تدوین شده است) در تحقیقات آتی بتوان به نتایج دقیقتری در این خصوص دست یافت و این امر یکی از محدودیتهای تحقیق حاضر و زمینهای برای مطالعات بعدی است.

مطابق پژوهشهای پیشین (مککان، ۱۹۴۱؛ یورلینگر-بونتکو و دیگران، ۱۹۹۴؛ ونتیلبرگ و دیگران، ۱۹۹۸؛ ونهک و دیگران، ۱۹۹۷؛ ونولیت، ۲۰۰۱)، در این پژوهش نیز بدین نتیجه دست یافتیم که وجود رگه‌های نوروگرایی در فرد یکی از عواملی است که به طور معناداری قادر به پیشبینی ابتلای فرد به احساس غربت است؛ البته عامل درونگرایی بر خلاف

صورت عدم وجود چنین برنامه‌هایی دختران بیشتر مستعد افسردگی میشوند (رفعت جاه، ۱۳۸۷). در ضمن، جامعه از زنان انتظارات متفاوتی داشته و نقشهای خاصی را بر دوش آنها می‌نهد و آنها را بیش از پسران با محدودیتهایی در فعالیتهای فراغتی روبرو میکند (محمدی، ۱۳۸۳). به نظر میرسد در جوامع غربی چنین محدودیتهایی با درجات کمتری موجود هستند و این امر میتواند به عنوان یکی از دلایل عدم تفاوت احساس غربت در دو جنس در جوامع غربی و وجود این تفاوت در جامعه ایرانی مطرح گردد.

شهیدی (۱۳۸۶) گزارش میدهد که الگوهای اوقات فراغت دختران از شکل انفعالی و درون خانوادگی به صورت فعالانه و برون خانوادگی تغییر یافته است ولی این مسئله با موانع و محدودیتهایی در فضاهای موجود برای دختران همراه است و در نتیجه میتوان انتظار داشت که دختران ساکن خوابگاه از این امر متأثر شده و بیش از پسران دچار احساس غربت گردند.

از دیگر متغیرهای مورد بررسی پیش‌بینی‌کننده احساس غربت، فاصله جغرافیایی زادگاه فرد با محل استقرار جدید است. نتایج تحقیق حاضر بیانگر آن است که این متغیر قادر به پیشبینی احساس غربت در دانشجویان نیست چرا که به نظر میرسد افراد فضای روانشناختی محل جدید را متفاوت از محل زندگی اولیه خود نمی‌دانند. در تحقیقات پیشین نیز به هنگام مطالعه احساس غربت در دانشجویانی که از کشورهای آسیایی به امریکا یا اروپا آمده‌اند، به نتایج معنادار دست یافته‌اند (لو، ۱۹۹۰؛ فریتس، چین و دمارینیس، ۲۰۰۸). در این ارتباط ممکن است در صورت بررسی میزان احساس غربت در دانشجویان خارجی که برای ادامه تحصیل به ایران آمده‌اند به نتایج متفاوتی دست یابیم و این موضوع میتواند زمینهای برای تحقیقات آتی باشد. در ضمن، مسافت شهرهای ایران نسبت به شهرهای برخی



اضطراب برای آنها در نظر گرفته شود و بدین نحو از بروز احساس غربت و عواقب بعدی آن، مانند افت تحصیلی، در حد مؤثری پیشگیری شود.

منابع فارسی

- اژه‌ای، ج. دهقانی، م. گنجوی، آ. و خداپناهی، م. ک. (۱۳۸۷). اعتباریابی پرسشنامه احساس غربت در دانشجویان ساکن در خوابگاه. *مجله علوم رفتاری*، ۲(۱)، ۱۱۱-۱۰۳.
- افضلی، ا. (۱۳۸۳). هنجاریابی و بررسی ویژگیهای روانسنجی آزمون DASS 42 در بین دانش‌آموزان مقطع دبیرستان شهر کرمانشاه در سال تحصیلی ۸۳-۸۲. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- حق شناس، ح. (۱۳۸۵). طرح پنج عاملی ویژگیهای شخصیت. شیراز: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی شیراز.
- خوانینزاده، م. اژه‌ای، ج. و مظاهری، م. ع. (۱۳۸۴). مقایسه سبک دلبستگی دانشجویان دارای جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی. *مجله روان‌شناسی*، ویژه‌نامه روان‌شناسی و دین، ۹(۳)، ۲۴۷-۲۲۷.
- رفعت‌جاه، م. (۱۳۸۷). دختران جوان و اوقات فراغت. فصلنامه مطالعات جوانان، ۴۱.
- شهیدی، م. (۱۳۸۶). مطالعه جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی مؤثر در آسیبهای فراغتی دختران جوان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی.
- محمدی، ز. (۱۳۸۳). بررسی آسیبهای اجتماعی زنان در دهه ۸۰-۱۳۷۰، نشر روابط عمومی شورای فرهنگی-اجتماعی زنان تهران.

References

- Benn, L., Harvey, J., Gilbert, P., & Irons, C. (2005). Social rank, interpersonal trust and recall of parental rearing in relation to homesickness. *Personality and Individual Differences*, 38, 1813-1822.
- Berry, J. (1990). Acculturation and adaptation: A general Framework. In W. Holtzman & T. Bornemann (Eds.), *Mental health of immigrants and refugees*. Austin, TX: Hogg Foundation for Mental Health.

تحقیقات ونتیلبرگ و دیگران (۱۹۹۸) و ونهک و دیگران (۱۹۹۷) قادر به پیشبینی احساس غربت نبود. البته در پژوهش حاضر به یک همبستگی معنادار منفی بین احساس غربت و برونگرایی دست یافتیم (۰/۲) که از قدرت پیشبینی لازم برخوردار نبود. نتیجه بسیار جالب و قابل توجه این پژوهش توانایی پیشبینی احساس غربت بر اساس میزان اضطراب فرد است. بدین ترتیب که پیش از وارد کردن وضعیت خلقی فرد (افسردگی، استرس و اضطراب) عامل شخصیتی نوزگرایی بیشترین توانایی و قدرت را در پیشبینی احساس غربت داشت، اما پس از وارد کردن عوامل خلقی و با وجود بتای بالای نوزگرایی، باز هم عامل اضطراب قادر به پیشبینی معنادار احساس غربت بود. بنابراین، اگر در پژوهشهای بعدی نشان داده شود که اضطراب میتواند حتی بیش از رگه‌های شخصیتی احساس غربت را پیشبینی کند، پیشنهاد میشود از ابزار ساده‌های مانند مقیاس DASS برای غربالگری افراد مستعد ابتلا به احساس غربت استفاده شود و گروه یا افراد هدف تحت آموزشهای روانشناختی لازم برای ارتقای مکانیزمهای مقابله‌ای با احساس غربت قرار گیرند.

در نگاهی اجمالی و با توجه به نتایج پژوهش درمیابیم که دختران مضطرب با رگه‌های نوزری بیشترین استعداد را برای ابتلا به احساس غربت به هنگام ترک منزل و رفتن به دانشگاه در شهری دیگر دارند. از این رو، به نظر میرسد در طراحی مداخله‌های احتمالی روانشناختی بیشترین سرمایه‌گذاری را میتوان بر مهار اضطراب فرد به عنوان یک حالت و نه یک رگه قابل دستکاری، متمرکز کرد و برای پیشگیری از بروز احساس غربت میتوان پیشنهاد کرد که در بدو ورود افراد و خصوصاً دختران دانشجو به دانشگاه یک آزمون سنجش اضطراب از آنها به عمل آید و افراد با درجات بالای اضطراب سرند شده و نیز یک برنامه آموزش روانی در جهت کاهش



- Bowlby, J. (1980). *Attachment and loss: Sadness and depression*. New York: Basic Books.
- Brewin, C., Furnham, A., & Howes, M. (1989). Demographic and psychological determinants of homesickness and confiding among students. *British Journal of Psychology*, 80, 467-477.
- Burt, C. (1993). Concentration and academic ability following transition to university: An investigation of the effects of homesickness. *Journal of Environmental Psychology*, 13, 333-342.
- Carden, A., & Feicht, R. (1991). Homesickness among American and Turkish college students. *Journal of Cross Cultural Psychology*, 22, 418-428.
- Collins, N., & Read, S. (1990). Adult attachment, working models, and relationship quality in dating couples. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58, 644-663.
- Costa, P., & McCrae, R. (1992). *NEO PI-R professional manual*. Odessa, FL: Psychological Assessment Resources.
- Crawford, J., & Henry, J. (2003). The Depression Anxiety Stress Scales (DASS): Normative data and latent structure in a large non-clinical sample. *British Journal of Clinical Psychology*, 42, 111-131.
- Eurelings-Bontekoe, E., Brouwers, E., Verschuur, M., & Duijsens, I. (1998). DSM-III-R and ICD-10 personality disorder features among women experiencing two types of self-reported homesickness: An exploratory study. *British Journal of Psychology*, 89, 405-416.
- Eurelings-Bontekoe, E., Vingerhoets, A., & Fontijn, T. (1994). Personality and behavioral antecedents of homesickness. *Personality and Individual Differences*, 16, 229-235.
- Fisher, S. (1989). *Homesickness, cognition, and health*. London: Erlbaum.
- Fisher, S., & Hood, B. (1988). Vulnerability factors in the transition to university: Self-reported mobility history and sex differences factors of psychological disturbance. *British Journal of Psychology*, 79, 309-320.
- Fisher, S., Murray, K., & Frazer, N. (1985). Homesickness, health and efficiency in first year students. *Journal of Environmental Psychology*, 5, 181-195.
- Fisher, S., Murray, K., & Frazer, N. (1986). Homesickness and health in boarding school children. *Journal of Environmental Psychology*, 6, 35-47.
- Fisher, S., Murray, K., & Frazer, N. (1986). Homesickness and health in boarding school children. *Journal of Environmental Psychology*, 6, 35-47.
- Fritz, M., Chin, D., & DeMarinis, V. (2008). Stressors, anxiety, and acculturation among international and North American students. *International Journal of Intercultural Relations*, 32, 244-259.
- Hazan, C. & Shaver, P. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52, 511-524.
- Lovibond, S., & Lovibond, P. (1995). *Manual for the Depression Anxiety Stress Scales (2nd ed.)*. Sydney: Psychology Foundation.
- Lu, L. (1990). Adaptation to British universities: Homesickness and mental health of Chinese students. *Counseling Psychology Quarterly*, 3, 225-232.
- McCann, W. (1941). Nostalgia: A review of the literature. *Psychological Bulletin*, 38, 165-182.
- Mikulincer, M., Florian, V., & Weller, A. (1993). Attachment styles, coping strategies, and post-traumatic psychological distress: The impact of the Gulf War in Israel. *Journal of Personality and Social Psychology*, 64, 817-826.
- Rudmin, F. (2009). Constructs, measurements, and models of acculturation and acculturative stress. *International Journal of Intercultural Relations* (in press).
- Stroebe, M., Stroebe, W., & Schut, H. (2003). Bereavement research: Methodological issues and ethical concerns. *Palliative Medicine*, 17, 235-240.
- Stroebe, M., VanVliet, T., Hewstone, M., & Willis, H. (2002). Homesickness among students in two cultures: Antecedents and consequences. *British Journal of Psychology*, 93, 147-168.
- Thurber, C., & Sigman, M. (1998). Preliminary models of risk and protective factors for childhood homesickness: Review and empirical synthesis. *Child Development*, 69, 903-934.
- VanHeck, G., Vingerhoets, A., Voolstra, A., Gruijters, I., Thijs, H., & VanTilburg, M. (1997). Personality, temperament and homesickness. In M. Van Tilburg & A. Vingerhoets (Eds.), *Psychological aspects of geographical moves: Homesickness and acculturation stress (181-196)*. Tilburg: Tilburg University Press.
- VanTilburg, M., Eurelings-Bontekoe, E., Landman, C., Verschuur, M., & Vingerhoets, A. (1998). Conceptual analysis of homesickness: A study on personal meanings. In M. Van Tilburg (Ed.), *When it hurts to leave home. Meaning, manifestations and management of homesickness (53-76)* PhD thesis. Tilburg University, Tilburg, The Netherlands.



VanTilburg, M., Vingerhoets, A., & VanHeck, G. (1996). Homesickness: A review of the literature. *Psychological Medicine*, 26, 899-912.

VanTilburg, M., Vingerhoets, A., & VanHeck, G. (1997). Coping with homesickness: The construction of the Adult Homesickness Coping Questionnaire. *Personality and Individual Differences*, 22, 901-907.

VanTilburg, M., Vingerhoets, A., & VanHeck, G. (1999). Determinants of homesickness chronicity: coping and personality. *Personality and Individual Differences*, 27, 531-539.

VanVliet, T. (2001). *Homesickness: Antecedents, consequences, and mediating processes*. Wageningen, The Netherlands: Ponsens & Looijen.

Vernberg, E., & Field, T. (1990). Transitional stress in children and young adolescents moving to new environments. In S. Fisher & C. Cooper (Eds.), *On the move: The psychology of change and transition* (127-151). New York: John Wiley & Sons.

Verschuur, M., Eurelings-Bontekoe, E., & Spinhoven, P. (2004). Associations among homesickness, anger, anxiety, and depression. *Psychological Reports*, 94, 1155-70.

